

اگر طرحی اجرا شد چه اتفاقاتی را در عرصه فرهنگی در پی دارد؛ باید هر جا که پیش‌برندگی دارد، تقویت شود و هر جا که آسیب‌هایی پیش‌بینی می‌شود، در سطوح مختلف پیشگیری صورت گیرد. عاقل کاری را انجام نمی‌دهد که پشیمانی به بار بیاورد! پیشگیری اولیه این است که وقتی آثار و پیامدهای منفی کار را شناختیم کار را انجام ندهیم. اما این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان از آن طرح صرف نظر کرد؟ آیا منافع طرح از هزینه‌هایش بیشتر نیست؟ پیشگیری ثانویه این است اگر اجرای طرح را پذیرفتیم، باید پیامدهای منفی آن را نیز ببینیم و برای کنترل آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم. نه اینکه بگذاریم به ما آسیب برسد، سپس گروهی بیایند و آسیب‌ها را ارزیابی کنند! اما گاهی آسیب‌ها را پیش‌بینی می‌کنیم و قصد داریم که آن‌ها را کنترل کنیم، ولی گریبان‌گیر ما می‌شوند!

وجود پیوست فرهنگی در طرح‌ها این تضمین را به ما می‌دهد که آسیب‌های موجود در طرح شناخته و در میدان عمل تدبیر لازم اندیشیده شود؛ که اگر این نباشد، در حقیقت با مسائلی مواجه می‌شویم که آسیب‌های آن برای ما معلوم نیست.

چه شاخصی برای عمل داریم؟

امروز در بخش‌های مختلف کشور، توجه به سمت مفهوم مهندسی فرهنگی و تهیه پیوست فرهنگی است. با این‌که هنوز پیوست فرهنگی و نقشه مهندسی فرهنگی به تصویب نهایی نرسیده است، از سوی نظام اجرایی کشور این مطالبه وجود دارد که نظام‌نامه پیوست فرهنگی چیست تا بر اساس آن برای طرح‌های خود پیوست فرهنگی تدوین کنیم! این یک نقطه مثبت است که نظام اقتصادی و صنعتی ما، با توجه به الزامی که در قانون وجود دارد و بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری، این موضوع را مطالبه می‌کند و به آن توجه دارد. اگر چه تا تبدیل شدن آن به یک فرهنگ و گفت‌وگو مسلط فاصله زیادی داریم، اما این انتظار وجود دارد که روند تدوین پیوست و توجه به آن، روندی مثبت و رو به جلو باشد.

قرار بوده آیین‌نامه‌ای وجود داشته باشد که دولت را مکلف

کند برای هر پروژه‌ای توجیه اقتصادی، شیوه‌های اجرا و تأثیرات اجتماعی آن را در نظر بگیرد. این آیین‌نامه چقدر اجرائی شده است؟ چه عامل الزام‌آوری برای دولت و بخش خصوصی برای اجرا کردن این آیین‌نامه وجود داشته است؟

باید گزارش‌های مستمری از نحوه اجرای این مصوبه و پیوست‌نگاری تهیه‌شود.

آیا امکان ندارد که با این وضع موجود بخش خصوصی مبنا و اصل پیوست فرهنگی را به راحتی دور بزنند؟ چه معیار و

وجود پیوست فرهنگی در طرح‌ها این تضمین را به ما می‌دهد که آسیب‌های موجود در طرح شناخته و در میدان عمل تدبیر لازم اندیشیده شود؛ که اگر این پیوست نباشد، در حقیقت با مسائلی مواجه می‌شویم که آسیب‌های آن برای ما معلوم نیست

شاخصی برای سنجش کیفیت پیوست فرهنگی که برای طرح‌ها نوشته شده است وجود دارد؟

ارزیابی و بررسی پیوست فرهنگی، اعمال استانداردها و شاخص‌های آن فقط در شروع یک پروژه نیست. قبل از اجرای طرح، پیوست نگاشته می‌شود که این طرح چه ملاحظاتی دارد؛ نکته بعدی این است که در سال‌های بعدی اجرای پروژه، این شاخص‌ها باید اندازه‌گیری شود. پس پیوست فقط این نیست که در بدو امر تهیه و تصویب شود و کنار گذاشته شود؛ بلکه باید در کنار پروژه به حیات خود ادامه دهد و بعد از اینکه کار به انتها رسید، بر مبنای این پیوست در مراحل مختلف ارزیابی شود. بنابراین حداقل این است که پروژه در سه مقطع آغاز، حین اجرا و پس از اجرا ارزیابی شود.

ممکن است در تدوین پیوست، خوب عمل کرده باشیم ولی در

پیوست فرهنگی در طرح‌ها و پروژه‌ها دو کارکرد اساسی دارد: ۱- پیش‌برندگی اهداف فرهنگی و کمک به رسیدن به چشم‌اندازهای فرهنگی که در نقشه مهندسی فرهنگی آمده است. ۲- پیشگیری از بروز آسیب‌ها و کاستی‌هایی که اجرای طرح می‌تواند در بخش فرهنگ داشته باشد

هنگام اجرای پروژه دقت کافی نشده باشد یا اصلاً پروژه اجرا نشود. یا اینکه پیوست کنار گذاشته شود. این احتمال وجود دارد که پیوست تدوین و مجوز آن نیز صادر شود، اما همه چیز را کنار بگذاریم و کار خودمان را انجام بدهیم؛ به همین دلیل پیش‌بینی شده است که باید در روند اجرایی نیز پیوست ارزیابی و بررسی شود. وقتی طرح به انتها رسید، کار خودش را انجام می‌دهد و تولید دارد صورت می‌گیرد،

پیوست فرهنگی نیز همیشه با طرح هست؛ یعنی همیشه باید باز خورد بگیرد و ببیند که آیا نتایج فرهنگی طرح براساس آن شاخص‌ها مثبت است یا منفی. به عبارت دیگر، این طور نیست که شما یک بار مجوز بگیرید و تا آخر کار دیگری نداشته باشید؛ این نظارت باید به صورت فعال ادامه داشته باشد و این رفت و برگشت‌ها کماکان وجود داشته باشند و الا پیوست شبیه به یک مجوز اولیه می‌شود که هر وقت بخواهند می‌گویند: ما پیوست فرهنگی داریم و این موضوع را بزرگ می‌کنند. مثل بعضی از اداراتی که وقتی به آن‌ها مراجعه می‌کنید ادعا می‌کنند منشور تکریم ارباب رجوع دارند؛ این در حالی است که ممکن است در این ادارات بعضی از این شاخص‌ها را اصلاً نبینید. ما باید به آن‌ها بگوییم: خیلی متشکریم از این که منشور تکریم ارباب رجوع را تنظیم کرده‌اید، آیا به آن عمل می‌کنید یا نه؟ پیوست فرهنگی ۱- باید خوب نگاشته شود ۲- باید ممارست شود که در نظام‌نامه، تمام مراحل اجرای طرح و بعد از آن دیده شود و مقطعی نباشد؛ باید فیلم‌برداری شود، نه این که به یک عکس اکتفا شود.

برای کارفرما چه الزامی وجود دارد که چنین پیوستی بنویسد؟ من به عنوان استاندار، معاون عمرانی استاندار یا نماینده مجلس، خیلی محکم از طرحی که باعث توسعه اقتصادی-عمرانی منطقه من می‌شود دفاع می‌کنم و بر این پافشاری می‌کنم که حتی اگر پیوست‌نگاران متعهد، متخصص و آگاه فرهنگی بگویند این طرح آسیب‌های جدی در پی دارد، باز هم طرح باید عملیاتی شود و این من هستیم که تصمیم می‌گیرم! برای شرایط اقتصادی و سیاسی که بر الزام‌آور بودن پیوست فرهنگی سایه افکند چه فکری کرده‌اید؟

به هر حال ممکن است که شما برای یک کار ضابطی را بگذارید و قانون وضع کنید اما رعایت نشود. این احتمال در همه موارد هست، از جمله در این مورد. ما وقتی می‌خواهیم کاری را انجام بدهیم، باید نگاهی متوازن و همه‌جانبه داشته باشیم؛ یعنی هم به توسعه محلی، هم به فرهنگ محلی و هم به الزامات و نیازها توجه کنیم،